

اعلامیه مطبوعاتی

جنايات مغضوب عليهم پيوسته در حال افزايش است؛ پس چه زمانى لشكرهاى بزرگ را خواهيم ديد كه ريشهٔ آنان را برکنند و سرزمين مقدس را آزاد سازند؟! (ترجمه)

امروز جمعه، ۲۰۲۶/۰۷/۲۴ م، چهار تن در شهرک «تل» از توابع نابلس به شهادت رسيدند؛ در حالى که از خود و شهرکشان در برابر حملات شهرک‌نشينان و حاميان آنان از ارتش رژيم جنایت‌کار و قاتل يهود دفاع می‌کردند. با آن‌که يکى از مهاجمان با سلاح خودش، که از وی گرفته شده بود، کشته شد؛ اما باشندگان قریه از هرگونه قدرت و سلاح و از ابتدای‌ترین امکانات دفاع از خود محروم بودند و جز سینه‌های برهنهٔ خویش، که گلوله‌های کینه و جنایت را با آن استقبال می‌کردند، هیچ وسیله‌ای برای دفاع نداشتند.

این کشتار، جنایت دیگری است که بر سلسلهٔ کشتارهای بی‌پایان غزه افزوده می‌شود؛ گویى شمارش قربانیان در غزه متوقف شده و غبار فراموشی بر مصیبت‌های آن سایه افکنده است! پس از آن نیز جنایت‌کاران، جنایت‌های خویش را با آتش‌زدن، چاقوکشی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم کرانهٔ باختری در هر نقطه ادامه می‌دهند. گویى تمام این جنایات کافی نیست که نتانیاهاو، سرکردهٔ رژیم غاصب، اعلام می‌کند: «تروریزم را در هر مکانی تعقیب خواهیم کرد، به خراب‌کاران و کسانی که در پشت سر آنان قرار دارند دست خواهیم یافت و آنان را بازخواست خواهیم کرد».

همچنان ارتش جنایت‌کار تصمیم می‌گیرد پنج گروگان نظامی را به کرانهٔ باختری اعزام نموده و آن را به منطقهٔ عملیاتی تبدیل کند و کسانی را که در برابر شهرک‌نشينان ایستادگی کرده‌اند، تعقیب نماید. سموتریچ نیز اعلام می‌کند: «قریه‌های تل، عراق بورین و بیت فوریک باید مانند اردوگاه‌های مهاجرین در نابلس و طولکرم شوند».

بدین‌گونه، بهای خون مردم فلسطین با خون تازه‌ای پرداخته می‌شود و جنایت‌کار، آنان را به‌خاطر جنایاتی که خود در حق‌شان مرتکب شده و به‌خاطر حمله‌ای که خود بر اموال‌شان انجام داده است، مجازات می‌کند؛ جنایاتی که هیچ معادله‌ای جز سرکشی، تجاوز و تکبری که چشمان این رژیم را کور ساخته است، بر آن حاکم نیست؛ رژیمی که حقیرتر از آن است که شایستهٔ یک نبرد واقعی یا حتی یک ساعت جنگ باشد!

جنایت پس از جنایت ادامه می‌یابد و در برابر آن، اظهارات تهوع‌آور و نفرت‌انگیز محکومیت و ابراز انزجار نیز پیوسته تکرار می‌شود. اما نفرت‌انگیزتر از این اظهارات، دعوت پیشین آنان از مردم برای مقابلهٔ مردمی با دسته‌های شهرک‌نشين بود. حکومت خودگردان عباس از مسئولیت خود شانه خالی کرد و بار سنگین مقابله را بر دوش مردمی افکند که نه توان و نه قدرتی در اختیار دارند.

هنگامی که مردم در برابر شهرک‌نشينان ایستادند، دیدند که ارتش جنایت‌کار در کنار شهرک‌نشينان خویش صف کشیده است؛ در حالى که از جانب حکومت خودگردان حتی نیم‌حرکت یا یک‌دهم اقدام نیز مشاهده نشد، جز محکومیت، تقبیح و ابراز انزجار! البته چنین رفتاری از کسی که توافق خیانت‌بار اسلو را قبلهٔ خود ساخته، هماهنگی امنیتی، یعنی مزدوری را مقدس شمرده و به‌رسمیت شناختن رژیم غاصب را شرط لازم هر کسی قرار داده است که در انتخابات، چه شهری و چه پارلمانی، نامزد می‌شود، جای تعجب ندارد.

مردم فلسطین در آتش بزدل‌ترین مردمان می‌سوزند؛ نه همدردی و نه اشک، هیچ‌یک آنان را بی‌نیاز نمی‌سازد، در حالى که هر روز به‌سوی قتل‌گاه‌های‌شان سوق داده می‌شوند. حمایت لفظی، ستایش و تمجید نیز هیچ سودی برای آنان ندارد، در حالى که از خانه‌های‌شان رانده می‌شوند و بهای ماندن در سرزمین مبارک را با صورت حساب‌هایی می‌پردازند که با خون‌شان نوشته می‌شود و قیمت آن هر روز و هر لحظه بالاتر و سوزان‌تر می‌گردد.

مردم فلسطین، به‌ویژه مردم کرانهٔ باختری و غزه، همراه با اسیران و مسجدالاقصای‌شان، به اطراف می‌نگرند و می‌بینند که دشمن از پیش‌رو، پشت‌سر، راست و چپ آنان را محاصره کرده است. پس چشم به‌راه یآوری از آن‌سوی دشمن می‌شوند؛ اما با نظام‌هایی روبه‌رو می‌گردند که حلقهٔ محاصره را استوارتر و بندهای اسارت را محکم‌تر ساخته‌اند و شانه‌به‌شانه و دست‌در‌دست قاتل ایستاده‌اند.

این رژیم‌ها، امتی را که برای جهاد در راه آزادی فلسطین بی‌قرار است و ارتش‌هایی را که در آرزوی لحظه نمازگزاردن در مسجد الاقصی به سر می‌برند، از حرکت برای نصرت برادران‌شان بازداشته‌اند.

مردم فلسطین دیگر در برابر مرگ حتی هیچ پناهگاهی و در برابر کوچ اجباری و برنامه‌ریزی شده هیچ مانعی نمی‌یابند. تاریکی‌ها از هر سو آنان را احاطه کرده است؛ جز بارقه‌ای از نور در امت و لشکرهای آن. اما این بارقه نیز به سبب فراوانی فریادها و درخواست‌های مردم فلسطین از امت و ارتش‌هایش، برای انجام حرکتی اساسی و متفاوت از تمام حرکت‌های پیشین، نزدیک است در جان‌ها و قلب‌های‌شان خاموش شود.

آنان خواهان حرکتی‌اند که تخت‌های تسلیم، عادی‌سازی روابط و محافظت از رژیم یهود را به دست ارتش‌های مسلمانان سرنگون کند؛ حرکتی که سربازان را در پادگان‌ها، توپ‌ها را در انبارها و طیاره‌ها را در قرارگاه‌های‌شان باقی نگذارد؛ حرکتی که یادآور روز حطین و عین جالوت و تداعی‌کننده قادسیه و یرموک باشد.

پس چه زمانی فریادهای جهاد، تکبیرهای پیروزی و نمازهای شکر در برابر نصرت بزرگ در صحن‌های مسجد الاقصای مبارک شنیده خواهد شد؟!

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – ولایة فلسطین